

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۴N۵۱۲۴۸۸۷۷۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

سیاست های پیشگیرانه اطفال از جرایم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۸/۱۲)

سحر علی جان پور

چکیده

در زمینه بزهکاری اطفال برخلاف جرایم ارتکاب یافته توسط مجرمین بزرگسال پیشگیری با توجه به سن و شرایط آنها متفاوت و غیر کیفری هستند. در عین حال در علم جرم شناسی بسیار گسترده تر و متنوع تر است. در پیشگیری غیر کیفری مدرسه، رسانه، اجتماع، خانواده و دیگر ارگان جامعه درگیر هستند و در اصلاح با تربیت کودکان و نوجوانان نقش مؤثری را ایفا می کنند. با توجه به مطالب ذکر شده، پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان دو دسته است. یکی پیشگیری اجتماعی که نام دیگر آن تدابیر پیشگیرانه عمومی است و دیگری تدابیر خصوصی است. هدف پیشگیری اجتماعی تربیت و اصلاح همه افراد جامعه است که بصورت بالقوه امکان بزهکار بودن آنها وجود دارد و هدف تدابیر خصوصی تنها افرادی هستند که ضد اجتماعی هستند و دارای حالت های خطرناک و ناسازگاری هستند که این مانع از ارتکاب جرایم به خصوصی می شود که مدنظر است. اصولاً پس از بزهکاری یا بزه‌دیدی سیاست های آموزشی و تربیتی بسیار مهم و مؤثر است از این رو خانواده و مدرسه در کنار یکدیگر می توانند قبل یا بعد از بزهکاری یا بزه‌دیدی اطفال و نوجوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشند. به هر صورت هدف ما این است در این مقاله به بررسی پیشگیری جامعه مدار اطفال از بزهکاری یا بزه دیدگی بپردازیم.

واژگان کلیدی: اطفال، نوجوانان، کودکان، مدرسه، خانواده، آسیب های

اجتماعی، اصلاح و تربیت.



مقدمه

مستند به لایحه ((پیشگیری از وقوع جرم)) تعریف پیشگیری از جرم عبارت است از ((پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن)). پیشگیری از جرم راه بسیار مؤثری برای مبارزه با ناهنجاری های اجتماعی است.

همانطور که گفته شد پیشگیری از جرم دارای تقسیم بندی های مختلفی است که هر کدام به نوعی در یک بخش یا بخشهای مختلفی تاثیر گذار است. به عنوان مثال پیشگیری وضعی فرصت و امکان ارتکاب جرم را کاهش می دهد یا پیشگیری اجتماعی زمینه و علل وقوع جرم را از بین میبرد.

اقدامات زیادی وجود دارد که برای پیشگیری از جرم می توان در جامعه انجام داد. نمونه هایی از این اقدامات در اصل سوم و بیست و یکم قانون اساسی آمده است، مثل ایجاد زمینه های مناسب برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او و حمایت از مادران و کودکان بی سرپرست یا آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه یا پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه با ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی یا رفع تبعیضات ناروا یا بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر و....

تحقق این موارد به واقع یک آرمان شهر را پدید می آورد. اقدامات ذکر شده همگی اقدامات اساسی، عمیق و درازمدت است که نسبت به افراد و محیط اطراف آنها شکل می گیرد. به طور کلی دو رویکرد مهم از جنبه نظری و هم جنبه عملی قابل توجه است که تحت عنوان رویکرد ساختاری یا معماری و رویکرد تفریحی و سرگرمی به صورت اوقات فراغت عنوان می شود یعنی در رابطه با ساخت خیابان ها، شهرک ها و مسائل امنیتی در برابر جرم مورد توجه است.

رویکرد دیگر در مورد تنظیم اوقات فراغت و برنامه های فرهنگی است. با توجه به مطالب ذکر شده سیاست های آموزشی و تربیتی در مدارس و خانواده به شکل استراتژی های پیشگیری اجتماعی قابل بررسی است و در این مقاله موضوع بحث این است که این

سیاست ها کدام است و محورهای حاکم چیست؟

بخش اول: نظریه های جامعه شناختی در مورد بزهکاری

آنچنان که مورد نظر رویکردهای کلاسیک و اثبات گرایی است ، انگیزه بزهکاران و مجرمان به صورت ساده از عیوب ، آزادی انتخاب افراد ، خصلت های روانی ، عیوب به کلی عوامل فردی نشأت نمی گیرد.

تعریف و تبیین کامل از رفتار مجرمانه و بزهکارانه باید با در نظر گرفتن فرهنگ اجتماعی محیط زندگی مردم را در بر بگیرد. فلذا تبیین های جامعه شناختی مجرمانه و بزهکاران نسبت به دیگر حوزه ها از برجستگی و کمیت های بیشتری برخوردار است. علل متعددی برای مطالعه جامعه شناسانه جرم و بزهکاری وجود دارد. یکی اینکه مناطق جغرافیایی وجود دارد که در آن امکان وقوع جرم و متخلف بسیار مساعد است. محققان در این زمینه تحقیق کردند که علت وجود چنین چیزی را دریابند. با تعریف بزهکاری و جرم تحت عنوان پدیده ای انفرادی قادر به بیان تأثیر نمونه ها در میزان جرایم نیست. دیگری اینکه علم جامعه شناسی به بررسی دگرگونی ها در هنجارهای فرهنگی و تاثیر آن بر رفتارهای فردی و گروهی می پردازد ، به این معنی که جامعه شناسی می خواهد تغییرات اجتماعی و جنبه های پویای رفتارهای انسانی را دنبال کند. نکته بسیار مهمی که در روابط درون گروهی و درون شخصیتی تاثیر بسیار زیادی دارد تغییر ساختار یک جامعه است. تاکید بر فردگرایی به همراه کاهش نفوذ خانواده موجب استقلال و انزوا شده است. خانواده ای که ضعیف شده باشد بیشتر با جرم و بزهکاری ارتباط دارد. از علل دیگری که میزان بزهکاری و جرم را افزایش می دهد ، رشد سریع فناوری و تاثیری که در سیستم اجتماعی دارد است.

دیگری این است که جامعه شناسی بر کنش متقابل درون گروهی تاکید بسیار دارد. درک کردن تعامل پویا در میان افراد و مرکز های اجتماعی مهم ، مثل گروه همسالان ، مدارس ، خانواده ، کار آنها و... برای فهمیدن علل بزهکاری و جرم از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. فلذا این موارد و نیروهای اجتماعی نقش بسزایی در مورد بزهکاری و جرم دارند و باید اثر آنها در این زمینه را مورد بررسی

قرار داد. (سیگل ، ۲۰۱۱)^۱



در آثار جامعه‌شناسان قرن نوزدهم مثل ال.ای. جی (آدولف) کتله (QUTELET) و (دیوید) امیل دور کیم (DURKHEIM) میتوان کاربرد مفاهیم جامعه‌شناسی مربوط به جرم و بزهکاری را یافت.

کتله به همراهی آندره میشل گودی فرانسوی مدرسه نقشه‌نگاری جرم را تأسیس کردند. وی از داده‌ها و آمارهای اجتماعی برای پژوهش‌های خود استفاده می‌کرد. در قرن نوزدهم کتله از دانشمندان امور اجتماعی بود که از تکنیک‌های ریاضی برای تاثیر و بررسی علل و عوامل اجتماعی مثل فصل، آب و هوا، جنسیت و سن و... برای ارتکاب جرم استفاده می‌کرد. تحقیقات او چگونگی ارتباط میان میزان جرم و عوامل اجتماعی را نشان داد. او دریافت که جرایم در فصل تابستان و در مناطق جنوبی و در بین جمعیت‌های ناهمگن و در میان فقیران و بی‌سوادان افزایش می‌یابد. فلذا طبق این نتایج مبنای جرایم اجتماعی است و به صورت مستقیم در مقابل جبرگرایی زیستی است. (سیگل، ۲۰۱۲: ۱۸۷ - ۱۸۸)^۲

یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی به نام دور کیم از جرم به عنوان پدیده‌ای ضروری و به‌هنگار یاد می‌کند. وی معتقد است که ریشه اجتناب‌ناپذیری جرم عدم تجانس یا تفاوت‌های اجتماعی است و استدلال او این است که حتی جرم باعث سلامت جامعه است و ممکن است مفید باشد و وجود جرم از علل تغییرات اجتماعی است. فلذا ساختار اجتماعی دیگر انعطاف‌ناپذیر نبوده و از حالت جهود خارج می‌شود. دور کیم معتقد است که جرم سودمند است و توجه عموم را به مشکلات جامعه جلب می‌کند. (بیرن و مزار شمیت، ۲۰۱۱)^۳

سیگل رفتارهای بزهکارانه و پرخطر و از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی می‌کند که هر کدام عوامل خاصی را برای بروز و ظهور بزهکاری در نظر می‌گیرند. برخی از آنها و رفتار بزهکارانه و مجرمانه و بر اساس ویژگی‌های فردی مورد بررسی قرار می‌دهد. در نظریه‌های سیگل رفتارهای بزهکارانه و مردم آن انتخاب آزادانه و داوطلبی است که خود فرد آن را انتخاب کرده و کارکرد نابهنجاری روانشناختی یا زیست‌شناختی یا هر دوی آنها است. بعضی دیگر رفتار بزهکارانه و مجرمان را از لحاظ اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی تحلیل می‌کنند که جرم را فرآیند، کارکرد ساختار و تضادهای زندگی اجتماعی در نظر می‌گیرد. دسته دیگری از نظریات وجود دارد که بعضی از مفاهیم بزهکارانه و مجرمان را و اهنگهای



زمان زندگی بیان می کند و با یکدیگر ترکیب کرده و تحت عنوان کرد های تکاملی یک جرم شناخته می شود. ما می خواهیم با تبیین جامعه شناختی با وجود دیدگاه سیگل ، نظریه های جامعه شناسی مانند : ساختار اجتماعی ، فرایند اجتماعی ، تضاد اجتماعی و نظریه های تکاملی و تلفیقی رویکردهای زیستی و روانی را بررسی کنیم.

بخش دوم: استراتژی های رشد مدار و جامعه گرا در پیشگیری از بزهکاری

این استراتژی ها اصولاً طبق الگوهای تربیتی بزرگسالان است و می تواند خطر رفتار بزهکارانه را کمتر کند. برنامه های پیشگیری که مانند برنامه های پزشکی که اعم از تشخیص و درمان است کارآمد نیست. بهترین راه برنامه ریزی استراتژی های جامعه گرا و هدف گرا است. البته یک برنامه نمی تواند جواب گوی همه جوامع باشد اما ارکان لازم اصولاً مشترک است که اعم از : توجه چند جانبه در مداخله ، توجه به افراد در معرض خطر ، توجه و حمایت از مجریان برنامه و ارزشیابی برنامه های پیشگیری ([Http://tebyan.zn.ir/society.html](http://tebyan.zn.ir/society.html)) ، این استراتژی یا ایجاد زمینه حل مشکلات به کودکان کمک می کند تا به حل مسئله بپردازند نه برخورد متخلفانه.

الف (ماهیت پیشگیری اجتماعی رشد مدار

پس از سالها استفاده از روش های پیشگیری در دنیا به این نتیجه رسیده ایم که پیشگیری از جرم نمی تواند تنها متکی بر پیشگیری پلیس محور ، پیشگیری کنترل بیرونی ، پیشگیری وضعی و کنترل کیفری باشد به این معنا که استفاده از زندان ، ارباب ، کیفر و مجازات مانع از جرم نمی شود و علت آن هم این است که با توجه به سایر دلایل متوجه می شویم که اکثر آنها از مجازات های سختی مانند اعدام در مجازات های خود استفاده کردند ، اما با این حال جلو ارتکاب این جرایم گرفته نشده است و این جرایم طبق آمارهای قبلی ارتکاب می یابند و مرتکبین ابایی از انجام آن ندارم ولو اینکه مجازات آن اعدام باشد. به همین دلیل است که رویکرد نظام های حقوقی و سازمان ملل متحد به این سمت بوده است که باید عوامل اجتماعی که تأثیر بسزایی در گرایش افراد به ارتکاب جرم دارد توجه کرد. کشورهای مختلف در این موضوع به سمت دوران کودکی رفته اند ، فلذا مهم ترین دوران شکل گیری شخصیت انسان و انتخاب راه درست یا اشتباه دوران کودکی است. به همین دلیل دولت های مختلف بر پیشگیری اجتماعی رشد مدار تأکید



می کنند. به نوعی نظام‌های حقوقی جهان به این مهم دست یافتند. ارتکاب جرم واقعه ناگهانی و یک حادثه یا اتفاق نیست، یک مسیر و روند است. حتی در مواردی که یک مجرم در یک لحظه به خاطر اینکه نتوانسته است خود را کنترل کند مرتکب جرم می شود، اگر بررسی های جرم شناسی بالینی صورت بگیرد، مشخص می شود که این موضوع که یک نفر ناگهان کنترل خود را از دست بدهد و واکنش غیر قابل پیش بینی نشان بدهد به خاطر روندی است که در دوران کودکی طی کرده است. (محمد زاده، ۱۳۹۱) ^۴ به عنوان نمونه، شخصی که واکنش ناگهانی بروز می دهد چنانچه بر اعصاب خود مسلط باشد، اگر مهارت‌های حل مسئله را آموخته باشد هر مشکلی که پیش آید به جای واکنش های انفجاری ناگهانی واکنشی متناسب با مشکل و شرایط برمی‌گزیند. به این ترتیب رویکرد اساسی پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد و کشورهای پیشرفته دنیا که در حوزه های پیشگیری از جرم کار کرده اند، رویکرد پیشگیری اجتماعی رشد مدار است. (قایمی، ۱۰۴؛ ۱۳۸۶) ^۵

ب) پیشگیری از بزهکاری و نقش مدرسه در آن

چنانچه در فرایند آموزش و پرورش تفکر انتقادی و مشارکت گنجانده و در کودک رشد داده شود و مطابق شرف انسانی و شأن آدمی باشد، آموزش و پرورشی مطلوب است که قابلیت این را دارد که جامعه را در یک نسل دگرگون سازد. افزون بر این حق استفاده از تعلیم و تربیت در همه ی انسان ها سبب ساز حفاظت او از خطرات مختلف است مانند زندگی مقرون به صرفه. در رابطه با جرم می‌توان گفت: یکی از عوامل بسیار عمده در عدم تطابق فرد با ارزش ها و هنجارهای جامعه، عدم آشنایی او با این ارزش ها و معیارها به عبارت دیگر، عدم جامعه‌پذیری صحیح یا نقایص فرایند جامعه پذیری او می باشد. بعد از خانواده، مدرسه نقش موثری در جامعه پذیری شایسته فرد دارد. آموزش و پرورش از جمله خدمات عمومی است که تک تک افراد جامعه باید از آن بهره مند شوند. در رابطه با اهمیت حق برخورداری از آموزش و پرورش همین قدر کافی است که بدانیم بین فقر و بیسوادی و محرومیت رابطه مستقیمی وجود دارد. (آقای ۱۳۸۱: ۲۳۶) ^۶

موارد بسیار مهمی وجود دارد که در رابطه با آموزش و پرورش و به طور ویژه در رابطه با مدارس باید به آنها توجه ویژه داشت مثل رسیدگی به مشکلات مدرسه



، تشویق و تنبیه ، متون درسی ، رابطه معلم و دانش آموز ، چگونگی تدوین برنامه درسی ، برنامه ریزی اوقات فراغت و....

۱) درونی شدن ارزش های اجتماعی در کودکان

یکی از موارد بسیار مهمی که توسط محققان نیز به اثبات رسیده است و پیشگیری از ارتکاب جرم در کودکان و نوجوانان نقش بسیار مؤثری در عدم ارتکاب جرم توسط آنها در بزرگسالی دارد که مهمترین بحث آن علل گرایش اطفال و نوجوانان به ارتکاب جرم است. نظام های حقوقی دنیا با ساز کارهای قانونی و پیش بینی و جلوگیری بر همین مبنا اقداماتی در جهت از بین رفتن ریشه های اجتماعی و فردی گرایشات کودکان و نوجوانان به ارتکاب جرم انجام داده اند.

امروزه جوامع کوشیده اند تا قسمت زیاد و مهمی از اقدامات و توانایی های خود را به هدف تأمین سلامت زندگی اجتماعی اختصاص دهند که از مهمترین عوامل سلامت زندگی اجتماعی و فردی جلوگیری از ارتکاب و وقوع جرم است. مراکز مربوط به این مسئله در دولت های مختلف با برنامه ریز صحیح در این زمینه می کوشند تا از وقوع جرم پیشگیری نمایند. مکاتب مختلف جرم شناسی و پیشگیری از جرم و بزهکاری دیدگاه ها و رویکردهای مختلفی در این مورد دارند.

۲) جایگاه آموزش و پرورش در پیشگیری از جرم رشد مدار

مورد توجه قرار دادن آموزش و پرورش در پیشگیری از جرم یکی از مهم ترین قسمت های پیشگیری رشد مدار است. دولت ها و کشورهای مختلف نیز در این زمینه به طور جدی سرمایه گذاری کرده اند. جایگاه آموزش و پرورش در عرصه پیشگیری از جرم به این شکل قابل توضیح است که اصولاً مرتکب شدن جرم به معنی بروز رفتار ناهنجار ، نقض هنجارهای اجتماعی از فرد و انحراف از معیار های مقبول اجتماعی ، این پایه و اساس جرم است که یک نفر مقررات اجتماعی را نقض کرده یا شدیدتر نقض مقررات کیفری عنوان شود. به نوعی در بیان بهتر می توان گفت جرم یعنی نقض کردن بخشی از مقررات اجتماعی که قانون گذار برای آنها ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته و با مجازات آن را پاسخ می دهد در اینجا سوالی مطرح می شود تحت این عنوان که چطور ممکن است فردی ارزش های اجتماعی را فرا بگیرد و درونی کند و با آنها وفق پیدا کرده و دست به



ارتکاب جرم نزنند؟ با تولد انسان ها نسلی جدید از بشر وارد جامعه می شود که اعضای جدید هستند و باید برای برای آموختن ارزش های جامعه تحت آموزش قرار بگیرند و آموزش ها را درونی کرده ، به این معنا که یاد بگیرند، بپذیرند و به اجرا درآورند. اولین گروه و نهادی که هر فرد پس از تولد در آن عضویت پیدا می کند خانواده است. این نهاد در انتقال ارزش های اجتماعی به کودکان و نوجوانان نقش بسزایی دارد زیرا خانواده اولین محیط اجتماعی زندگی هر فرد است. این نهاد ارزش های اجتماعی را تحت عناوینی چون رفتار ، گفتار و عملکرد والدین زندگی خانوادگی را می آموزد. البته ممکن است والدین در زمینه تربیت تخصصی نداشته باشند. حتی ممکن است خود آنها نسبت به ارزش های جامعه بی اطلاع باشند یا نسبت به عمل به آنها اقدامی نکنند یا شخصیت کامل و ساخته شده ای نداشته باشند و متأسفانه بیشتر خانواده ها در سطح جامعه ما اینگونه هستند و علت آن هم عدم آموزش و کسب مهارت های لازم جهت پدر و مادر شدن است و افراد در جامعه ما تنها بزرگ شده ، ازدواج می کنند و صاحب فرزند می شوند بی آنکه نسبت به تمامی این مراحل اطلاعات لازم را جمع آوری کنند یا به آنها آموزش داده شود.

نخست اینکه پدر و مادر تخصص لازم برای تربیت و آموزش کودکان خود را ندارند و دوم این که روش انتقال مفاهیم اجتماعی به کودکان را نمی دانند و از طرف دیگر خودشان دارای سطوح مختلف تربیتی و آموزشی بوده اند. مثلاً فرض کنید که پدر و مادر و شخصی سطوح بالای تحصیلی را طی کرده است. در این صورت فرزند زیر نظر این دسته از والدین بزرگ می شود و ارزش های اجتماعی را به گونه ای خاص از آنان دریافت می کند و در عمل آنان می بیند. از طرف دیگر ممکن است کودکی باشد که از والدین بی سواد متولد شده باشد. وی بزرگ می شود و جامعه پذیری خاص دیگری را تجربه می کند. به همین خاطر دولت ها و جوامع برای آنکه یک ساز و کار واحد و منظمی برای انتقال ارزش های اجتماعی به کودکان فراهم کنند ، نهادی را به نام آموزش و پرورش تعریف کرده اند آموزش و پرورش هم این وظیفه را دارد که ارزش های اجتماعی را به کودکان و نوجوانان منتقل کند. شاید مهم ترین اثر آموزش و پرورش را این بدانیم که دولت ها آن را به



عنوان راهکاری برای انتقال ارزش های اجتماعی به نسل جدید مقرر کرده اند. (محمدزاده، ۱۳۹۱)^۷

در چنین شرایطی نظر به اینکه پدر و مادر خود دارای سطوح متفاوتی از تربیت و آموزش هستند. اولاً تخصص لازم جهت آموزش و تربیت کردن فرزندان خود را دارا نمی باشند و ثانیاً علم و روش انتقال مفاهیم اجتماعی به کودکان را ندارند. در قانون تأسیس آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران بیان شده است که هدف از آموزش و پرورش تنها این نیست که کودکان خواندن و نوشتن را بیاموزند. البته که به این قانون نیز مانند سایر قوانین دولت که تعداد آنها در کشور ما بسیار کم است عمل نمی شوند و کودکان در طی ۱۲ سال تحصیل در آموزش و پرورش این کشور تنها به آموختن حفظ کردن فرمول ها و حل مسائلی می پردازند که پس از اخذ مدرک قبولی آزمون ها کاملاً فراموش کرده و هیچ گاه در زندگی از آنها بهره ای نمی برند. آموزش و پرورش در مورد چگونه درست زیستن ، فکر کردن ، رفتار کردن و اینکه چگونه انسانی سالم به لحاظ فیزیکی و ذهنی باشند اطلاعاتی را در اختیار آنها نمی گذارند و سپس از بروز مشکل به دنبال راه حل در دادگاه ها و دادرها می گردد و تا زمانی که این وضع پابرجاست نه تنها پیشگیری از جرم که پیشگیری از تخلفات ساده و ناهنجاری های پیش پا افتاده جامعه که متأسفانه به عادت و رفتار مردم جامعه تبدیل شده است اصلاح نخواهد شد و دیگر انواع پیشگیری هم فایده چندانی ندارد ، چه بسا علت به وجود آمدن دیگر پیشگیری ها کم کاری و کم توجهی در این عرصه مهم بوده است.

ماده یک این قانون اشعار می دارد که پرورش و رشد و شکوفایی توانایی ها و استعداد های کودکان بسیار مهم است به این جهت که بتوانند در جامعه نقش موثری داشته باشند و نسبت به آن تاکید شده است و این وظیفه به عهده آموزش و پرورش گذاشته شده است. وظایف و اهداف آموزش و پرورش که در ماده یک این قانون بیان شده است عبارت است از تزکیه در دانش آموزان ، رشد فضائل اخلاقی ، شناخت ، شکوفا کردن و پرورش دادن استعدادهای دانش آموزان ، تبیین ارزش های اسلامی و پرورش دانش آموزان بر اساس آنها ، توجه نداشتن صرف به مدارک تحصیلی و تقویت روحیه ، تحقیق و ابتکار و فعالیت از وظایف آموزش و



پرورش گفته شده است (قانون تأسیس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران) که یا بر عکس آن عمل می شود یا شیوه به گونه ای نادرست است که به نتیجه عکس دارد و یا تحقیق میدانی و پرسش از افراد کاملاً مشهود است. بعضی از مواردی که باید در آموزش و پرورش مورد توجه واقع شود عبارت است از:

(۱) با توجه به اینکه نقش مدرسه آموزش است درس زندگی نیز باید آموزش داده شود برای آینده

(۲) آموزش و پرورش در صورتی که یک اقدام اجتماعی است که بتوان تعامل مدرسه و خانه را بیشتر کرد.

(۳) افراد باید ضمن تخصص در فرایند یادگیری، فرهنگ و شخصیت را برای آینده برای منافع اجتماعی و شخصی فرا بگیرند.

(۴) فداکاری برای دیگران و جامعه، حس سازگاری، احترام به حق و حقانیت و روحیه اجتماعی نیز باید در مدارس آموزش داده شود.

(۵) در نظر گرفتن اقداماتی جهت حل کردن گرفتاری های زندگی معلمان به جهت عدم اختلال در سیستم آموزشی.

(۶) برای حل مشکلات کودکان و نوجوانان وحدت، پشتیبانی و همکاری بین خانه و مدرسه و هماهنگی بین ارزش های تربیتی خانه و مدرسه بسیار مهم است.

(۷) با تحقیقات در زمینه مشکلات و نیازهای کودکان و نوجوانان همه ی کادر آموزش و پرورش برای تشخیص و شناخت مسائل آموزش و پرورش باید بکوشند.

بخش سوم: راهکار های بهبود کارکرد خانواده در پیشگیری از بزهکاری کودکان

یکی از رسالت های دولت و جامعه در راستای تربیت کودکان و نوجوانان کمک به خانواده هاست، البته وظایفی را نیز به صورت مستقیم دارند به خصوص در مقابل کودکان مشکل دار ائم از نحوه مدد رسانی و برخورد با اطفال و نوجوانان. در ادامه به تحلیل این موضوعات مستند به سناد و مقررات بین المللی مربوط به حقوق کودکان و پیشنهادها خواهیم پرداخت.

الف) آموزش خانواده ها نسبت به حقوق و نیازهای کودکان

لزوم ضرورت برگزاری کلاسهای آموزشی و رسانه های جمعی توسط افراد متخصص در امر تعلیم و تربیت برای اطلاع آموزش پدران و مادران در خصوص

رفتار صحیح با فرزندان با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت در کانون خانوادگی امری بدهی است. البته که نقش دفترهای مشاوره را در این امر خطیر نمی توان منکر شد. برای دسترسی بهتر و راحت تر خانواده ها و والدین و کودکان به این دفاتر لازم است که این دفاتر در محله ها وجود داشته باشد. استفاده از نمایش ، تئاتر ، فیلم ، موسیقی و نقاشی به وسیله رسانه های گروهی مانند تلویزیون و رادیو ، همچنین سازمان های غیردولتی که در جهت بهبود و آموزش روابط خانوادگی بستر فرهنگی و اجتماعی مناسبی برای ارتقاء کارکرد تربیتی و اجتماعی کردن خانواده ها ایجاد می کند. بدیهی است که ارائه هرگونه برنامه در این خصوص از سوی رسانه های گروهی (رادیو ، تلویزیون و مطبوعات) و به خصوص تلویزیون که از حداکثر مخاطب برخوردار است ، باید به گوه ای منظم و مستمر و نه به طور موردی و مقطعی انجام پذیرد. (اکبری ، ۱۳۸۰ : ۴۲)^۸

ب) حمایت از کودکان متعلق به خانواده ای بد سرپرست

در بعضی از خانواده ها ممکن است اطفال ، کودکان و نوجوانان احساس امنیت و آرامش نداشته باشند. اکثر این خانواده ها اصولاً در برخورد با فرزندان آنها را دچار فشارهای روانی و فیزیکی می کنند. اغلب این خانواده ها در معرض طلاق هستند یا والدین یا یکی از آنها درگیر اعتیاد هستند ، در این شرایط باید با مراجعه خاص نسبت به مشکلات خانواده و اصلاح روابط یا نگهداری از فرزندان اقدام لازم صورت گیرد. لازمه هر گونه اقدام در این زمینه ، آگاهی از وجود چنین اوضاع خطری در خانواده ها است. این امر ایجاد یک سیستم اطلاع رسانی دقیق در این خصوص را ضروری می سازد. همه اعضای جامعه از هر قشری ، کودکان و نوجوانان همگی باید از وجود نهادهای خاص حمایتی از کودکان نظیر کمیسر کودکان ، پلیس کودکان و سازمان های غیردولتی که در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان فعالیت می کنند ، آگاه باشند تا بتوانند به راحتی با آن نهادهای ارتباط برقرار کرده و وضعیت خطرناک کودکان و نوجوانان را تشریح کنند. (اکبری ، ۱۳۸۰-۴۵)^۹

علی رغم مسائل ذکر شده مسائلی همچون خشونت های روانی و فیزیکی سبب ترک زودتر از موعد منزل در نوجوانان می شود، فلذا تعداد افراد بی خانمان افزایش می یابد و این افراد معمولاً برای امرار معاش مرتکب جرایم متعددی می



شوند سپس یکی از مهمترین سیاست‌های پیشگیری از جرم تدارک اقداماتی در جهت فراهم کردن امکانات برای این کودکان است. واکنش‌های راهبردی نسبت به کودکان فراری عمدتاً باید بر تدارک مراکز مخصوص جوانان همراه با ایجاد سرپناه‌های اضطراری و دسترسی به اماکن شبانه روزی برای مدت طولانی تر و نیز بر تلاش برای باز پیوستن آن‌ها به خانواده‌های خود و منصرف نمودن کودکانی که قصد فرار از خانه را دارند متمرکز شود و علاوه بر این با توجه به حق کودک به حمایت در مقابل والدین بد رفتار، قبل از آنکه در مورد امکان بازگشت او به خانه و خانواده تصمیم گرفته شود دلایل ترک خانه باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا مشکلات موجود برطرف شده و تفاهم بین خانواده و فرزند حاصل شود تا فرزند بعد بازگشت به خانه مجدداً با خانواده خود درگیری و تنش نداشته باشد. همچنین باید به نوجوانان فراری سایر خدمات قبیل مشاوره، آموزش مهارت‌های حفظ حیات و کم برای کربابی ارائه گردد. از این رو، لازم است مددکاران اجتماعی در مجاورت مراکز کلانتری‌های مربوط به هر محل مستقر شوند به نحوی که بتوانند کمک‌های فردی را به شکل مداخله در بحران ارائه نمایند. (صلاحی ۱۳۸۹-۱۳۹۰)^{۱۰}

سرپرستی اطفال از رایج‌ترین کارهای راهبردی در شرایطی است که مراجع مربوط نتوانند خانواده را اصلاح کرده و امکان بازگشت نوجوانان را فراهم آورند، مثلاً بند ۱۴ رهنمودهای ریاض اظهار می‌دارد: ((در مواردی که در محیط خانوادگی ثبات و استواری وجود ندارد و در صورت عدم موفقیت تلاش‌های جامع برای مساعدت به والدین در این راستا و نیز در صورت عدم امکان ایفای این نقش توسط خانواده‌ای گسترده باید به مراقبت‌های جایگزین از جمله نظام شبه خانواده و فرزندخواندگی متوسل شد. این گونه اسکان‌های جایگزین باید در حد امکان منعکس کننده محیط خانوادگی ثابت و استوار و در عین حال پدید آورنده احساس تداوم در کودکان باشد تا از مشکلات مربوط به تغییر مکان دادن مرتب به کودکان [و روبرو شدن آنها با سرپرست‌های مختلف] احتراز شود.)) این در حالی است که بند ۱۷ از این رهنمودها نیز مقرر می‌دارد: ((باید در جهت ارتقای انسجام و سازگاری و جلوگیری از جدا شدن فرزندان از والدینشان اقداماتی صورت



گیرد مگر اینکه شرایط که بر سلامت و آینده کودک موثر هستند گزینه مناسب دیگری را ممکن نسازند)).

سرپرستی اطفال شامل اسکان کودکان در مراکز (مؤسسات) دولتی، نصب سرپرست (قیم و یا پدر و مادر خوانده) و خانواده گسترده که بیشتر برای کودکان بزرگتر مناسب است می باشد. در خصوص نصب سرپرست، باید قوانین دقیق و کارآمدی وضع شود و مسئولین اسکان کودک خانواده های علاقه مند و شایسته برای نگهداری از کودکان را شناسایی کرده و کودکان و نوجوانان نیازمند سرپرست تحت حمایت های مالی و آموزش قرار گیرند. به عنوان مثال ((در فلیپین ارتباط بین خانواده های از هم پاشیده و بدسرپرست با بزهکاری نوجوانان به دلیل حمایت هایی که از آنها شده و دارای ساختار اجتماعی قوی در جهت حمایت از نوجوانان در معرض خطر است، کاهش یافته است)) (Shoemaker, ۲۰۱۵)^{۱۱}.

در همین رابطه، خانواده گسترده که ممکن است شامل والدین جانشین باشد و از فشار گروه همسالان برای اعمال نظم و کنترل استفاده کند می تواند مأمی را فراهم آورد که در آن اعضای گروه می توانند

روابط جدیدی را بنا نموده، نوعی از عزت نفس را به دست آورده و به استقلال عاطفی و مالی برسند. اساس مفهوم خانواده گسترده، حمایت از افراد جوان در معرض خطر از طریق تلفیق ثبات زندگی خانوادگی با عناصر کمکی تحصیلات، آموزش مهارت های حرفه ای و اشتغال بوده و ریشه در خود اجتماع دارد. (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۲۵)^{۱۲}

بخش چهارم: ضرورت قضازدایی از جرایم کم اهمیت کودکان و نوجوانان

با توجه به بررسی به عمل آمده در مورد آثار و نتایج ورود اطفال و نوجوانان بروند محاکمه و نیز نظریات مختلف جامعه شناسی مانند نظریه عمومی یادگیری جرم و نظریات جرم شناسی مانند نظریه برچسب زنی وارد شدن اشخاصی که در مراحل رشد عقلانی و جسمانی هستند مانند کودکان و نوجوانان، در روند طولانی دستگاه جزایی به دلیل اتهام بزهکاری، علاوه بر آثار و مجازات هایی که برای طفل در نظر گرفته می شود باعث بدنامی طفل در همان سنین آغازین این زندگی او شده و موجب تشدید خودپنداری مجرمانه کودکان می شود. در این مورد نظر یک



پژوهشگر جالب توجه است، به گفته تانن بام: ((کل فرآیند برخورد با بزهکاران جوان به قدری مضر است که آنها را به خودشان و محیط اطرافشان به عنوان یک شخص مجرم می‌شناسند.)) (اکبری، ۱۳۸۰ - ۵۳)^{۱۳} ابتدا لزوم رسیدگی و مداخله قضایی و کیفری با درنظر گرفتن پیامدهای بد و منفی محتمل کمی تحت الشعاع قرار می‌گیرد، به نوعی بدنامی در نتیجه رسیدگی دستگاه قضا و سوی محل گذراندن دوران محکومیت نوجوان، پس از صدور حکم که محیطی مناسب برای فراگیری راهکارهای بزهکاری است نوجوانان را به سوی فعالیت در نوعی پیشه مجرمانه هدایت می‌کند، با توجه به اینکه بزهکاری و اصولاً رفتار مجرمانه را می‌توان نقشی دانست که اجتماع آن را به افراد نسبت می‌دهد یا تحمیل می‌کند. برای اینکه از چنین تالی فاسدی که درگیر شدن یک نوجوان در روند قضایی در پی دارد اجتناب کنیم باید نقش عوامل کنترل اجتماعی که نمونه بارز آن خانواده می‌باشد را در فرآیند بزهکاری - که در صورت عدم شناسایی این عوامل و اشخاصی که اختیار کنترل و اصلاح رفتار مجرمانه را در دست دارند، درک کامل رفتار مجرمانه امکان‌پذیر نیست و نیز باید نقش ((جایگزین های نهادهای پیش از محاکم)) مانند نهادهای مدنی، اجتماعی جهت رسیدگی به اتهامات نسبتاً کم اهمیت کودکان و نوجوانان بدون درگیر کردن این قشر کم سن و سال با فرآیند طولانی و پیچیده محاکمه قضایی بسیار مهم است را بشناسیم. (فرجاد، ۱۳۸۳ - ۹۷)^{۱۴}

چون در پروسه رسیدگی قضایی در دادگاه ها احتمال برچسب زنی برای اطفال وجود دارد و این امر بسیار خطرناک است، اسناد سازمان ملل نیز بر این موضوع تاکید داشته است. در همین راستا ماده ۵ رهنمودهای ریاض اشعار می‌دارد:

((باید آگاهی داشت که به عقیده کارشناسان برچسب زنی زیر عناوی منحرف، بزهکاری بالظطره به یک شخص جوان غالباً موجب می‌شود که الگوی رفتاری ثابت و ناپسند برای جوان پدید آید.))

با توجه به آثار مهم برچسب زنی جهت فهم بهتر موضوع به طور خلاصه بخش‌هایی از نظریات برچسب زنی آورده می‌شود.

نظریه برچسب زنی به تاثیری که مداخله رسمی نیروی انتظامی دادگاه و



مؤسسات تادیبیه اصلاح و تربیت برآیند جوانانی که در اختیار قانون گرفته اند توجه دارد. تاکید این نظریه بیشتر درمورد شکل گیری پیشینه تبهکارانه است تا علت آغازین یک عمل مجرمانه. مطابق این نظریه جوانان به دلایل مختلفی ممکن است قانون را نقض کنند ، اگر این رفتار مجرمانه به وسیله مجری قانون و یا مسئولان مدرسه و یا خانواده کشف شد یک برچسب اجتماعی منفی به او اعطا خواهد شد که ممکن است در تمام طول زندگی همراهش باشد. (ریموند ، ۱۳۹۰ - ۱۷۶)^{۱۵} اینکه کودکان تا چه حد به عنوان مجرم تصور می شوند ، می تواند بر رفتار آنها در خانه ، محل کار و مدرسه تاثیر بگذارد. نتیجه این برچسب زنی این است که آنهایی که در معرض ضمانت اجرای اجتماعی منفی هستند یک حالت خود طردی و خود انگاری پست تر را تجربه می کنند این حالت هم منجر به سستی تمایل شخص نسبت به ارزش ها و رفتارهای قراردادی می شود و هم موجب تحصیل انگیزه های انحراف از هنجارهای اجتماعی می گردد و ممکن است این هویت نو را با روان خود پیوند بزند. (سلیمی ، ۱۳۸۶ - ۷۶)^{۱۶}

بخش پنجم: بررسی راهکارهای قضازدایی از بزهکاری کودکان

هدف از قضازدایی در بزهکاری کودکان سلب خاصیت از عمل مجرمانه نیست بلکه هدف در اغلب موارد کاهش شدت مجازات یا جنبه کیفری مجازات است. یکی از اهداف سیاست جنایی تلاش برای عدم برخورد و تماس مجرمان و بزهکاران با مراجع عدالت کیفری است. یکی از جلوه های سیاست جنایی کوشش برای اجتناب از تماس افراد بزهکار با مراجع عدالت کیفری است. آنچه که روش های ((رسیدگی انصرافی)) نام گرفته عبارت است از روش های مختلفی که ابتدا در مورد اطفال و به منظور جلوگیری از محاکمه آنها در دادگاه های اطفال به کار گرفته شده است. (لازرر ، ۱۳۸۲ : ۷۶)^{۱۷}

در رابطه با موقعیت داشتن تعقیب احکامی در قانون ایران مواردی چند از جمله ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از مقررات دادگستری مصوب ۱۳۵۵ بیان شده است ، ولی دادستان این اجازه را ندارد که در صورتی که مرتکب کودک یا نوجوان است عدم تعقیب وی نسبت به دیگران دارای اولویت باشد. ماده ۲۲ که در بالا ذکر شد و ماده ۴۰ مکرر و آیین دادرسی کیفری ۱۳۵۳ تغییر را تنها در صورت وجود



شرایط خاص مثل اقرار متهم و نداشتن سابقه کیفری یا گذشت مدعی یا شاکی را اعمال می کند. مقام تعقیب تنها در این حالت می تواند اقدام به تعلیف متهم جرم کند گرچه نهاد تعریف تعقیب با قضازدایی فرق می کند اما هدف و نتیجه آنها یکی است. هدف و نتیجه عدم حضور دیگران در فرآیند دادرسی برای آسیب کمتر فرد است. در ماده ۱۵ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۷۸/۴/۱ تعقیب متهم با توجه به شخصیت، وضعیت، جایگاه اجتماعی و تحصیلات و البته اوضاع و احوال وقوع جرم یا داشتن یا نداشتن مدعی یا شاکی خصوصی را بیان کرده که متأسفانه بعد از ۱۰ سال تصویب هنوز هم قانون نیست، فلذا به اجرا در نیامده است. در مواد ۱۷ - ۱۲۲ لایحه آیین دادرسی کیفری نیز شرایطی را برای تعلیق تعقیب توسط دادستان را پیش بینی کرده است که این هم تصویب نشده است. در مورد قضازدایی در زمینه انحرافات کودکان و نوجوانان مواد ۳۲ و ۳۳ لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان پیش بینی کرده است که در صورت انجام فعل مجرمانه یا منحرفانه با اخذ تعهد به تأدیپ، مواظبت و تربیت کودک یا نوجوان به والدین یا سرپرست قانونی تحویل داده می شود. گاه ممکن است به مددکار اجتماعی یا روانشناس معرفی شود. در بعضی موارد ممکن است برای آموختن یک حرفه یا هنر و یا تحصیل به مؤسسات فرهنگی و آموزشی معرفی شوند.

در حال حاضر به خاطر تصویب نشدن این قوانین به جا و درست متأسفانه کودکان و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم باید تمامی مراحل را در دادسرا و دادگاه طی کنند. در کشورهای دیگر مانند کانادا قضازدایی اطفال و نوجوانان برای عدم طی کردن پروسه های قضایی پیش بینی شده است. مثل رسیدگی انصرافی. در این صورت می توان نسبت به متهم برخورد مدنی، اداری، اجتماعی، تربیتی و... داشت. تنها جرایم مهم هستند که در روند قضایی قرار گرفته و در دادگاه رسیدگی می شوند.

((جایگاه مجزای بزهکاری نوجوانان در کشور آمریکا مبتنی بر ((نظریه قیومت حکومتی)) است. بر اساس این نظریه کودکان را نمی توان همچون بزرگسالان در موقع ارتکاب بزه گناهکار دانست و آنها را مجازات کرد. اقدام علیه آنها بیشتر اقدام



مدنی است که بر نیاز آن بر درمان تاکید می‌کند.)) (معظمی، ۱۳۸۸: ۶۲)^{۱۸}

حقوق آلمان نیز در این زمینه نمونه قابل توجهی را ارائه داده است در این کشور جنبه کیفری از برخی از جرایم کم اهمیت سلب گردیده است و قانونگذار آنها را صرفاً به عنوان جرایم علیه نظم تلقی و به عنوان ضمانت اجرا برای آنها جزای نقدی منحصر اداری در نظر گرفته است. (آشوری و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰ - ۵۵)^{۱۹} به آنچه گفته شده می‌توان اقدامات میانجیگری (میانجی‌گری فرآیند است که به موجب آن یک میانجی به وساطت بین بزهکار و بزه‌دیده می‌پردازد تا بتواند با گفتگوی مستقیم به حل اختلاف میان این دو بپردازد) (شیرینی، بی تا، ص ۱۴)^{۲۰} را افزود که اخیراً در آمریکای شمالی تحت تاثیر جریانات مختلف توسعه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است، در آمریکا مشاوره به عنوان یک سیستم درمانی و پیشگیری از انحرافات نوجوانان از اواسط سال ۱۹۹۰ به بعد رشد قابل ملاحظه‌ای داشته به طوری که از سال ۹۶ تا سال ۲۰۰۰ اداره قضایی پیشگیری نوجوانان بیش از ۴۰ میلیون دلار صرف برنامه‌های مشاوره‌ای کرده است. در سال ۲۰۰۴ کنگره آمریکا این مبلغ را به ۱۰۰ میلیون دلار رساند در حالی که این مبلغ در سال ۲۰۰۳ به میزان ۴/۲۷ میلیون بوده است. این اقدامات به ویژه به منظور آشتی دادن مجنی‌علیه با وارد کننده خسارت، حل اختلاف بین همسایگان و رفع ((موقعیت های تعارضی)) به دور از توسل به سازمان و آیین رسیدگی قضایی و در سایل اقدامات داوطلبانه و یا مداخله انجمن های مذهبی صورت می‌پذیرد. (۴۵۶ - ۴۵۴ : ۲۰۱۵ ، Blechman)^{۲۱} در میان تدابیر مختلفی که دادسرا در مرحله تعقیب در نظر می‌گیرد طبق آمارهای موجود میانجی‌گری و جبران خسارت کیفری که به ابتکار دادسرا انجام می‌گیرد بیشترین افزایش را در میان سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ در ارتباط با جرم های ارتكابی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال داشته است. (کردعلیوند، ۱۳۸۱: ۷۷)^{۲۲} دو قانون کشور روسیه نیز در مورد جرایمی که مجازات زندان آنها تا ۲ سال زندان است می‌توان روش‌های سازش و مصالحه را انجام داد و چنانچه بزهکار کودک باشد این رقم به ۵ افزایش می‌یابد. مطابق مواد ۸ و ۹ و قسمت ابتدایی ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی در کشور روسیه این امر پذیرفته شده است که در جرایم خرد



و کم اهمیت روش سازش و مصالحه در پیش گرفته شود. از تدابیر سازش به عنوان ساز و کاری به جانشینی تدابیر آموزشی در ازای تعقیب کیفری در پرونده های کودکان و نوجوانان می توان استفاده کرد. قانونگذار ایالات هم پرداخت جزای نقدی را در برخی از امور خلافی از سوی متهم پیش بینی نموده است. (آشوری ، ۱۳۷۶)^{۲۳} اسناد بین المللی مانند رهنمودهای ریاض ، کنوانسیون حقوق کودکان و نوجوانان و مقررات پکن در کنار حقوق داخلی کشورها در مورد قضا دایی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مقرراتی را تعیین کرده است به عنوان مثال بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودکان اشعار می دارد: ((کوشش برای حل مسائل بدون دخالت دادگاه ولی اکیداً بر پایه رعایت حقوق بشر و قوانین مدنی)).

در مورد قضا دایی از جرایم کودکان و کوشش در جهت رسیدگی های غیر قضایی به اتهامات کودکان رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان موسوم به مقررات پکن هم قابل توجه است ، ماده ۱۱۱ مقررات پکن مقرر می دارد که ((رسیدگی در جایی که نهادهای مربوط به اطفال موجود است رسیدگی به امور مجرمان نوجوان در هر جا که اقتضا دارد باید توجه کافی نمود که مقام های صالح (دادگاه ، دادسرا ، هیات شورا و از قبیل) برای محاکمه رسمی متوسل نگردد)) . ضمن اینکه هرگونه قضا دایی و تغییر مسیر که متضمن رجوع به سازمان های اجتماعی یا سایر خدمات باشد باید با رضایت نوجوانان صورت بگیرد. (ماده ۱۱-۳ مقررات پکن)^{۲۴}

نتیجه گیری

علل متعددی در به وجود آمدن جرم و بزهکاری مانند دیگر پدیده های اجتماعی وجود دارد که دارای ابعاد متفاوتی هم هست و برای همین دلایل است که پدیده های اجتماعی به کندی و به ندرت دچار تغییر و تحول می شوند. فلذا با ایجاد تغییر در محیط سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی می توان تاثیر زیادی را مشاهده نمود ، صرفاً برخورد شدید یا تشدید مجازات در برخورد با مجرمان یا به وجود آوردن رفاه اقتصادی و تلاش در راستای بالا بردن سطح معیشت زندگی مردم قابلیت کاهش بروز بزهکاری و ارتکاب جرم را دارا نمی باشد. برای موفقیت در این زمینه نیاز به تلاش همه جانبه در تمامی ابعاد است. طبق تحقیقاتی که در



این مقاله انجام شد خانواده و مدرسه نقش مهمی را در پیشگیری از جرم دارند. مثلاً خانواده می تواند صمیمیت را بین خود و فرزندان ایجاد کند که آنها مشکلات خود را در خانه مطرح کرده و حل نمایند تا به انحراف در خارج از منزل کشیده نشود. اصولاً کودکان و نوجوانان بزهکار والدین منحرف را الگوی خود ساخته و مرتکب خلاف می شوند. البته که نیازهای مادی و معنوی نیز باید در اولویت قرار گیرد تا کودکان و نوجوانان در پی آن دچار انحراف نشوند. تغذیه، پوشاک، مسکن و تفریح از حقوق کودکان و نوجوانان است. در هنگام طلاق نیز حداقل این امکانات را در نظر می گیرند. عدم تحرک، تنهایی، عدم وجود سرگرمی و تنهایی از علل و ارتکاب جرم در مجرمان به ویژه کودکان و نوجوانان است. از نهادهای اصلی و مهم در پیشگیری از جرم می توان از آموزش و پرورش نام برد. در این راستا مطالب زیادی را می توان مطرح کرد اما مختصر به آن می پردازیم. آموزش و پرورش باید به گونه ای باشد که افراد با شخصیت و با فرهنگ را پرورش دهد و تقدم منافع اجتماعی به منافع شخصی را یاد بگیرند. فداکاری، احترام به حق و حقانیت، روحیه اجتماعی و اجتماع پذیری و سازگاری نیز باید در مباحث آموزشی و پرورشی باشد. اگر همکاری خانه و مدرسه پویا باشد، آموزش و پرورش را می توان اقدامی اجتماعی در پیشگیری از جرم دانست. تحصیل تعلیمات برای رشد ذهنی کودکان و نوجوانان، سلب ولایت قهری از والدین غیر صالح، تعیین ضوابط برای جلوگیری از انحراف، وضع مقررات به منظور جلوگیری از ولگردی، کنترل برنامه ها و افزایش وسایل تفریحی، منع رفت و آمد به مراکز فساد، گسترش خدمات بهداشتی، بالا بردن سطح آگاهی مردم، ایجاد مؤسسات راهنمایی و تربیتی با استفاده از روانپزشک، روانشناس، مشاور و مددکار اجتماعی برای مشاوره والدین و نوجوانان و تأسیس پلیس و دادگاه های نوجوان بسیار مهم است. پلیس ها باید در زمینه روانشناسی و جرم شناسی تعلیم ببینند. استفاده از پلیس زن برای کودکان نیز ایده خوبی است. تجربه نیز بسیار مهم است. در واقع همه اقشار جامعه در پیشگیری از جرم موثر هستند و باید به همه جامعه و نظرات آنها توجه کرد. استفاده از طرح های پیشین که برای جوامع دیگر که تجربه کرده اند ناکارآمد بوده است کار منطقی و درستی نیست. برای اینکه بتوان از رسانه های



جمعی برای ترویج فرهنگ استفاده کرد باید جایگاه پیشگیری از جرم در سیاست جنایی تعیین شود. باید متولیان قانون نیز باید فعال شوند. از ظرفیت های قانونی استفاده شود ، اصلاح قوانین صورت گیرد ، سیاست گذاری ها و اقدامات اصلاحی انجام شود تا کاهش جرم صورت گیرد. البته همه ی این موارد منوط به تحقیقات میدانی نیز هست. در نتیجه این اقدامات پیشگیرانه جنبه اجرایی بیشتری نسبت به جنبه قضایی دارند و به همین دلیل به بخش های اجرایی محول می شوند که آنها با امکانات خود و توانایی های لازم این اقدامات را انجام دهند. پیشنهاداتی نیز برای پیشگیری از جرم مطرح است از جمله : آموزش درست مناسبات خانوادگی و ایجاد کردن پیوند معنوی و عاطفی بین اعضای خانواده ، گسترش آگاهی اجتماعی بیشتر کردن برنامه های آموزش و پرورش جهت آموزش مسائل بسیار مهم تری از دروس بی تأثیر در زندگی و روابط اجتماعی ، به کارگیری وسایل ارتباط جمعی برای پخش برنامه های آموزشی.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بینابین، تهران، نشر گرایش
- ۲- آشوری، محمد، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۰)، ترجمه کتاب دفاع اجتماعی مارک انسل چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران
- ۳- آقای، حسین، (۱۳۸۱) پیشگیری عمومی از بزهکاری مانعی برای جرم زدایی، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۴۱
- ۴- شیری، عباس، (بی تا)، افق های نوین عدالت کیفری، عدالت ترمیمی، انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران
- ۵- فرجاد، محمدحسین، (۱۳۸۳)، آسیب شناسی کجروی های اجتماعی، تهران، انتشارات قوه قضائیه، قانون تاسیس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران
- ۶- قائمی، علی، (۱۳۸۶)، آسیبه ها و عوارض اجتماعی، تهران، انتشارات امیری
- ۷- گسن، ریم. ند، (۱۳۹۰)، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، انتشارات علامه طباطبائی
- ۸- محمد زاده، حمیدرضا، بررسی نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از بزهکار، به نقل از سایت <http://just1.persianblog.ir/post/>
- ۹- معظمی، شهلا، (۱۳۸۸)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، تهران

ب) منابع لاتین

- 1-Beirne, P., J. W. Messerschmidt (2011). Criminology: A Sociological Approach. Oxford: Oxford University Press.
- 2-Blechman, Elaine A, and Jedediah M. Bopp 2005, Juvenile Offenders, In Handbok of Juvenile Mentoring <http://tebyan-zn.ir/society.html>
- 3-<http://www.maavanews.ir/Default.aspx?tabid=4355&articleType=ArticleView&articleId=70724>
- 4-shoemaker, Donald, (2015), Theoris of Delinquency: An examination of



Explanation of Delinquent Behavior, 5th edition, New York: Oxford university Press, P. 234

5-Siegel, L. J. (2012). Criminology. Eleventh Edition. Wadsworth: Cengage Learning.

6-U. N. Standard minimums Ruler for the administration of juvenile justics, 1985, (A/RES/40/33) (Beijing rules) and its translation United nation Rules for the protection of juvenile deprived of liberty, 19907.